

111072



دانشگاه تهران  
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

## «گفتمان مشروطه اسلامی»

«بررسی زمینه های پیدایش و شکل گیری گفتمان مشروطه ی اسلامی در عصر مشروطیت ایران»

**استاد راهنما:**

دکتر صادق زیبا کلام

**استاد مشاور:**

دکتر علیرضا صدرا

**نگارش:**

محمد حبیبی

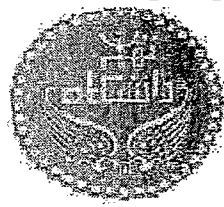
پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

شهریور ماه ۸۷

۱۳۸۸ / ۲ / ۱۳

کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی  
تهران

۱۱۱۵۷۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی علوم سیاسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد : محمد حبیبی خوزانی

گرایش :

در رشته : علوم سیاسی

با عنوان : گفتمان مشروطه اسلامی

را در تاریخ : ۱۳۸۷/۶/۱۸

به عدد	به حروف
۱۹۱۵	هزار و نود و یک

با نمره نهایی :

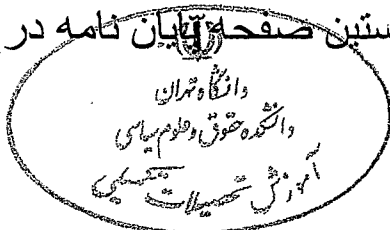
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم ( حسب مورد ):	دکتر صادق زیبا کلام	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر علیرضا صدرا	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور ( یا استاد مشاور دوم )	دکتر احمد دوست محمدی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو	—	—	—	—
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر حمید احمدی	استاد	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	—

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .





جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ \_\_\_\_\_  
پست \_\_\_\_\_

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب <sup>خوهران</sup> محمد حسینی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو محمد حسینی خوهران  
امضاء حسینی  
ندم بسیار -

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فجر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸  
فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

## چکیده :

گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان که حول محور اندیشه مشروطه خواهی و قانون گرایی شکل گرفته بود ، حاصل طرح و برجسته سازی اصول ، مبانی و مفاهیم مشروطیت بود که توسط گروهی از روشنفکران و از طریق چاپ و انتشار آثار و مکتوباتشان به تدریج در نیم سده عصر ناصری ، وارد قضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران شد .

با افزایش آگاهی در میان طبقات مختلف جامعه و شکل گیری نوعی پذیرش و اقبال عمومی نسبت به مفاهیم مشروطیت ، به تدریج گفتمان مشروطه خواهی به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی ایران تبدیل شد و نهایتاً پیروزی جنبش مشروطیت را به دنبال داشت . اما با توجه به تلقی خاص روشنفکران نیم سده عصر ناصری نسبت به مفاهیم مشروطیت ، گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان از همان ابتدا ، ماهیت مذهبی داشت . تأسیس نظام سیاسی مشروطه و تدوین نظام حقوقی آن ، با توجه به مخالفت‌های سرسختانه طرفداران استبداد ، نیازمند نظریه پردازی ، پیرامون اثبات مشروعیت نظام جدید بود . ماهیت مذهبی گفتمان مشروطه خواهی این فرصت را در اختیار بخش‌هایی از جریان روحانیت قرار داد تا با نظریه پردازی پیرامون مشروعیت مشروطیت و توجیه شرعی نظام سیاسی مشروطه ، ضمن دفاع از نظام جدید به نظریه پردازان

اصلی اندیشه مشروطه خواهی در فضای پس از پیروزی جنبش مشروطیت تبدیل شوند . اما نظریه پردازیهای روحانیون مشروطه خواه در غیاب جریان روشنفکری ، سمت و مروجت گیری گفتمان مشروطه خواهی را تغییر داد تا جایی که به شکل گیری گفتمان جدیدی در درون گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان منجر شد .

این گفتمان اخیر را با توجه به مؤلفه ها و عناصر درونی آن ، ما گفتمان مشروطه اسلامی نامگذاری کرده و هدف خود در این پژوهش را بررسی زمینه های شکل گیری و پیدایش این گفتمان قرار داده ایم . در ضمن بررسی ماهیت درونی گفتمان مشروطه اسلامی و نقاط تمایز و افتراق آن از گفتمان مشروطه خواهی روشنفکران و اندیشه های روحانیون مشروعه خواه نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد .

کلید واژه ها: مشروطیت، گفتمان مشروطه خواهی ، گفتمان مشروطه اسلامی ، شریعت مداری مشروطه خواهی ، روشنفکران ، مشروعه خواهان ، انقلاب مشروطه .

نیم سده عصر ناصری ، بدنبال ان ، یک دهه سلطنت مظفرالدین شاه ، دوران تشدید بحران در حکومت خودکامه و اقرایش آگاهی ها نسبت به مفاهیم نوینی بود که همگی خاستگاه غربی داشت .

گسترش این مفاهیم جدید که برداشت جدیدی از ساختار نظام سیاسی و شیوه حکومت داری را ارائه می داد ، برای ایرانیان که در طول قرنهای متمادی با حکومت خودکامه و شیوه استبدادی اداره جامعه خوگرفته بودند ، تا حدی نامأنوس بود . اما به تدریج این آگاهی در میان طبقات مختلف جامعه گسترش یافت که معضلات و آشفتگی ها نتیجه ی شیوه های غلطی است که سردمداران حکومتی در اداره جامعه به کار می برند . به این ترتیب جامعه در مسیر طبیعی خود با توجه به گسترش آگاهی های عمومی به مخالفت با اساس حکومت خودکامه پرداخت و صف آرای جدیدی از مخالفان در برابر استبداد سلطنتی شکل گرفت که جنبش مشروطیت نتیجه آن بود . این جنبش تحولی نوین در عرصه سیاسی ایران بود نه از حیث تغییر در نظام سیاسی ، بلکه از این منظور که برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران ، ایجاد چارچوبی قانونی ، از حکومتی مبتنی بر قانون به جای ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد ، از سوی مخالفان نظام استبدادی پیگیری می شد .

با پیروزی جنبش مشروطیت در ایران ، طومار گفتمان سیاسی خودکامگی در هم پیچیده و گفتمان سیاسی مشروطه خواهی به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی ایران تبدیل شد . این گفتمان ، همچون هر گفتمان دیگری امری خلق الساعه و نتیجه جنبش مشروطیت ایران نبود . برعکس ، این جنبش مشروطیت بود که از درون گفتمان سیاسی مشروطه خواهی سر برآورد . این گفتمان حاصل آثار و مکتوباتی بود که پیرامون اصول ، مبانی و مفاهیم مشروطیت ، توسط گروهی از روشنفکران ایرانی در نیم سده عصر ناصری چاپ و انتشار یافت . با بسط و گسترش اصول ، مبانی و مفاهیم مشروطه خواهی ، و برجسته سازی آنها در فضای سیاسی و اجتماعی ایران زمینه های شکل گیری گفتمان مشروطه خواهی در ایران فراهم شد . اما با توجه به ساختار سنتی و مذهبی جامعه ایران ، طرح مفاهیم مشروطیت بدون تقلیل و تعدیل در معانی آن ، امکان پذیر نبود .

در نتیجه روشنفکران نیم سده ناصری با تقلیل و تعدیل اصول و مفاهیم مشروطیت و مفهوم سازی آنها حول نشانه های دینی ، گفتمانی متأثر از مؤلفه های مذهبی را بسط و گسترش دادند . در نتیجه گفتمان مشروطه خواهی در میان گروههای مختلف مردمی ، به تدریج گفتمان مشروطه خواهی



به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی ایران تبدیل شد و نهایتاً پیروزی جنبش مشروطیت و استقرار نظام سیاسی مشروطه دست آورد آن بود .

با استقرار نظام سیاسی مشروطه ، تثبیت نظام سیاسی جدید و تدوین نظام حقوقی آن ، بیش و پیش از هر چیز نیازمند ارائه نظریات جدید در درون گفتمان مشروطه خواهی بود . اما با توجه به ماهیت مذهبی گفتمان مشروطه خواهی در ایران و از آنجا که یگانه نظام حقوقی مدون در ایران ، در طول سالها حکومت خودکامه ، نظام حقوقی شرع بود ، تنها علما و روحانیون به عنوان مفسران رسمی مذهب در ایران از صلاحیت نظریه پردازی پیرامون نظام سیاسی جدید برخوردار بودند . بدین ترتیب بخشی از جریان روحانیت ، که بعدها به شریعت مداران مشروطه خواه معروف شدند ، با نظریه پردازی پیرامون مشروعیت نظام سیاسی مشروطه ، درغیاب جریان روشنفکری ، به یکه تازان عرصه مجادلات نظری تبدیل شدند .

ورود آنها به این عرصه ، تحول در گفتمان مشروطه خواهی را در به دنبال داشت . چرا که با وجود تأثیرپذیری روحانیون مشروطه خواه از آرا و نظرات روشنفکران نیم سده عصر ناصری به عنوان بانیان فکری گفتمان مشروطه خواهی ، تمایز در آرا و نظرات این دو جریان مدافع مشروطه ، که در تبیین و تفسیر اصول و مبانی مشروطیت ، تا به حدی بود که می توان از شکل گیری

در گفتمان مختلف در درون گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان سخن گفت .  
گفتمانی که در سالهای پیش از پیروزی جنبش مشروطیت در ایران ، در نتیجه  
آثار و مکتوبات روشنفکران شکل گرفت و گفتمان که پس از تأسیس نظام  
سیاسی مشروطه ، حاصل رسائل و لوایح شریعت مداران مشروطه خواه بود .  
با وجود برخی عناصر و مؤلفه های مشترک در این دو گفتمان ، هر دو جزئی  
از گفتمان کلی مشروطه خواهی ایرانیان محسوب می شوند و در عین حال ،  
وجود برخی تمایزات در آرا و نظرات این دو جریان ، ماهیتی مجزا به هر کدام  
از این گفتمانها می بخشد . در نتیجه برخلاف نظر برخی پژوهشگران که با  
تقلیل تاریخ اندیشه مشروطیت در ایران ، به تاریخ روشنفکری ، عملاً اهمیت  
آرا و نظرات روحانیون مشروطه خواه در تثبیت نظام سیاسی مشروطه را  
نادیده می گیرند ، در این پژوهش ، جایگاه نظریه پردازیهای شریعت مداران  
مشروطه خواه در تاریخ اندیشه مشروطه خواهی ، همتراز و همسان با شأن و  
منزلت روشنفکران ، دیده می شود . هدف ما در این پژوهش ، بررسی زمینه  
های نظری پیدایش و شکل گیری تین گفتمان دوم است که با توجه به مؤلفه  
های عناصر دورنی اش ، آن را گفتمان مشروطه اسلامی می نامیم .  
گفتمان مشروطه اسلامی به عنوان جزئی از گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان ،  
تأثیرات شگرفی به رشد ، گسترش و تثبیت اندیشه مشروطه خواهی به طور

خاصی و پذیرش مفاهیم نوآیین از سوی جامعه سنتی و مذهبی ایران در کل داشت. چرا که این گفتمان ساخته و پرداخته، بخشهایی از جریان سنت گرا بود که طبیعتاً و ماهیتاً می بایست سد راه هرگونه تحول و نوآوری باشند. اما شریعت مداران مشروطه خواه با اجتهاد در اجتهادات فقهی خود نشان دادند که حتی تفکرات سنتی و مذهبی نیز در صورت فراهم شدن شرایط، توانایی تطبیق با تحولات زمان را دارند.

با وجود اهمیت آرا و نظرات شریعت مداران مشروطه خواه در تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، دیدگاههای آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چرا که مباحثات فکری در ایران بیشتر از آنکه مجادله در ساحت تفکر و اندیشه باشد، منازعه ایدئولوژیک در عرصه سیاسی است. و از بد حادثه، کمتر جریان سیاسی تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران می توان یافت که آرا و نظرات روحانیون مشروطه خواه را نمایندگی کند.

در نتیجه با غفلت از این جریان تأثیرگذار، گفتمان مشروطه خواهی در انحصار جریان روشنفکری قرار گرفته است. هدف ما در این پژوهش، بررسی ماهیت درونی و ابعاد مختلف گفتمان مشروطه اسلامی است. ولی از آنجا که بحث پیرامون جنبش مشروطیت نیازمند شناخت نسبی از فضای سیاسی، اجتماعی ایران در سالهای قبل از پیروزی جنبشی است، بحث خود

در این رساله را با بررسی نوع مناسبات حکومت و مردم و وضعیت سیاسی ، اجتماعی ایران در دوران سلطنت ناصرالدین و جانشینش آغاز می کنیم . در ادامه نوع دیدگاه حاکم بر این پژوهش نسبت به گفتمان مشروطه خواهی را روشن ساخته ، به بررسی تأثیرات روشنفکران نیم سده عصر ناصری در تدوین گفتمان مشروطه خواهی می پردازیم .

از آنجا که شریعت مداران مشروطه خواه به عنوان بخشی از جریان روحانیت ، در دوره قاجاریه ، به عرصه مباحث نظری پیرامون اندیشه مشروطه خواهی راه یافتند ، شناخت نسبی از موقعیت روحانیت در دوره قاجاریه و نوع نگرش حاکم بر حوزه های دینی نسبت به امور حکومتی و سیاسی لازم می نمود ، بنابراین فصلی از این پژوهش به بررسی موارد ذکر شده اختصاص یافت . بررسی نقش شریعت مداران مشروطه خواه در پی گیری گفتمان مشروطه خواهی و تدوین گفتمان مشروطه اسلامی ، فصلی دیگر از این پژوهش را به خود اختصاص می دهد . و در نهایت با بررسی مهمترین رسائل و لوایح علما و روحانیون مشروطه خواه ، به بررسی تعبیر و تفاسیر آنها از مفاهیم ، اصول و مبانی مشروطیت می پردازیم .

در این بررسی تلاش می شود تا ماهیت درونی گفتمان مشروطه اسلامی برای خوانندگان روشن شود . شناخت گفتمان مشروطه اسلامی ، علاوه بر بررسی

آرا و نظرات بانیان فکری آن ، نیازمند ارزیابی تمایزاتی است که این گفتمان را از گفتمان مشروطه خواهی روشنفکران متمایز می کند . در نتیجه بخشی از رساله به ارزیابی این تمایزات اختصاص یافته است .

علاوه برآن یک تمایز اساسی دیگر نیز قابل ارزیابی است . و آن تفاوتی است که در نوع نگرش شریعت مداران مشروطه خواه و مشروعه خواهان نسبت به مبانی دینی و احکام اسلامی و نظام سیاسی مشروطه وجود داشت . این تمایز را حتی می توان یکی از نقاط عطف جنبش مشروطیت در ایران ، به حساب آورد . چرا که صحنه مجادلات فقهی تبدیل کرد . این یگانه موردی از مجادلات فقهی در تاریخ تشیع ، در ایران است که به جای حوزه های دینی ، در عرصه های سیاسی و اجتماعی حل و فصل می شد . مجادله ای که به تدریج به منازعه عملی و تکفیر طرفین نیز تبدیل شد . در نتیجه بررسی این مجادلات فقهی و نقاط تمایز در گروه از علمای دینی بخشی دیگر از این رساله را به خود اختصاص می دهد .

امید که بررسی این بخش مغفول و مجهول از تاریخ اندیشه سیاسی ایران ، راهگشای شناخت بیشتر و دقیقتری از کلیت تاریخ اندیشه سیاسی در ایران باشد .

## فهرست مطالب

فصل اول : کلیات پژوهش	۱
فصل دوم : چارچوب نظري	۱۶
فصل سوم : در آمدي بر فضاي سياسي ايران در عصر ناصري و مظفري	۳۷
فصل چهارم : در آمدي بر گفتمان مشروطه خواهي در ايران	۶۳
فصل پنجم : بررسي نقش روشنفكري در تدوين گفتمان مشروطه خواهي	۷۹
فصل ششم : در آمدي بر اندیشه سياسي و موقعيت روحانيت در دوره قاجاريه	۱۱۳
فصل هفتم : بررسي نقش شريعت مداران مشروطه خواه در تدوين گفتمان مشروطه اسلامي	۱۳۳
فصل هشتم : گفتمان مشروطه اسلامي	۱۷۴
فصل نهم : نتيجه گيري « هژموني مولفه هاي مذهبي در عصر مشروطيت ايران »	۲۲۶
فهرست منابع و مراجع	۲۵۰

## فصل اول : «کلیات پژوهش»

### ۱-۱- طرح مسئله و اهداف پژوهش :

نیم سده عصر ناصری و به دنبال آن ، یک دهه سلطنت مظفرالدین شاه ، در دوران تشدید بحران در حکومت خودکامه و افزایش آگاهی ها نسبت مفاهیم نوینی بود که همگی خاستگاه غربی داشت . گسترش این مفاهیم جدید که برداشت جدیدی از ساختار نظام سیاسی و شیوه حکومت داری ارائه می داد ، برای ایرانیان که در طول قرنهای متمادی با حکومت خودکامه و شیوه استبدادی اداره جامعه خو گرفته بودند ، تا حدی نامأنوس بود . اما به تدریج این آگاهی در میان طبقات مختلف جامعه گسترش یافت که معضلات و آشفتگی ها نتیجه ی شیوه های غلطی است که سردمداران حکومتی در اداره جامعه به کار می برند . به این ترتیب جامعه در مسیر طبیعی خود با توجه به گسترش آگاهی های عمومی به مخالفت با اساس حکومت خودکامه پرداخت و صف آراییی جدیدی از مخالفان در برابر استبداد سلطنتی شکل گرفت که جنبش مشروطیت نتیجه آن بود . این جنبش تحولی نوین در عرصه سیاسی ایران بود نه از حیث تغییر در نظام سیاسی ، بلکه از این منظور که برای اولین بار در تاریخ سیاسی ایران ، ایجاد چارچوبی قانونی و حکومتی مبتنی بر قانون به جای ساختار سیاسی مبتنی بر استبداد ، از سوی مخالفان نظام

استبدادی یگیری می شد . با پیروزی جنبش مشروطیت در ایران ، طومار  
گفتمان سیاسی خودکامگی درهم پیچیده در گفتمان سیاسی مشروطه خواهی  
به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی ایران تبدیل شد . اما این گفتمان ، همچون  
هر گفتمان سیاسی دیگری امری خلق الساعه و نتیجه جنبش مشروطیت ایران  
نبود . برعکس ، این جنبش مشروطیت بود که از درون گفتمان سیاسی  
مشروطه خواهی سر برآورد . این گفتمان حاصل آثار و مکتوباتی بود که  
پیرامون اصول و مبانی و مفاهیم مشروطه ، توسط گروهی از روشنفکران  
ایرانی در نیم سده عصر ناصری چاپ و انتشار یافت . با بسط و گسترش  
اصول ، مبانی در مفاهیم مشروطه ، و برجسته سازی آنها در فضای سیاسی  
و اجتماعی ایران زمینه های شکل گیری گفتمان مشروطه خواهی در ایران  
فراهم شد . اما با توجه به ساختار نسبی و مذهبی جامعه ایران ، طرح مفاهیم  
مشروطیت بدون تقلیل و تعدیل در معانی آن ، امکان پذیر نبود . در نتیجه  
روشنفکران نیم سده عصر ناصری با تقلیل و تعدیل اصول و مفاهیم  
مشروطیت و مفهوم سازی آنها حول نشانه های دینی گفتمانی متأثر از مؤلفه  
های مذهبی را بسط و گسترش دادند ، در نتیجه گفتمان مشروطه خواهی از  
همان آغاز تدوین ماهیتی مذهبی داشت .



با گسترش اندیشه مشروطه خواهی در میان گروه‌های مختلف مردمی، به تدریج گفتمان مشروطه خواهی به گفتمان مسلط در عرصه سیاسی ایران تبدیل شد و نهایتاً پیروزی جنبش مشروطیت و استقرار نظام سیاسی مشروطه دست آورد آن بود. با استقرار نظام سیاسی مشروطه، تثبیت نظام سیاسی جدید و تدوین نظام حقوقی آن، نیازمند نظریه پردازیه‌های جدید در درون گفتمان مشروطه خواهی بود. اما با توجه به ماهیت مذهبی گفتمان مشروطه خواهی در ایران و از آنجا که یگانه نظام حقوقی مدون در ایران، در طول سالها حکومت خودکامه، نظام حقوقی شرع بود، تنها گروهی از روحانیون، از توانایی نظریه پردازی پیرامون نظام سیاسی مشروطه، می توانستند برخوردار باشند. در واقع ماهیت مذهبی گفتمان مشروطه خواهی زمینه ساز حضور جریان روحانیت در این عرصه و نیاز به تطبیق نظام سیاسی جدید با نظام حقوق شرع، تثبیت کننده این حضور بود.

اما با ورود روحانیون مدافع مشروطه به عرصه نظریه پردازی ها، به تدریج گفتمان مشروطه خواهی سمت و سوی دیگری یافت، بطوریکه تمایزی آشکار به لحاظ عناصر مؤلفه های درونی، نسبت به گفتمان مشروطه خواهی روشنفکران پیدا کرد. در نتیجه گفتمان مشروطه خواهی در ایران از درون به دو گفتمان متمایز و در عین حال پیوسته تقسیم می شد. گفتمانی که قبل از

پیروزی جنبشی توسط روشنفکران تدوین یافت و گفتمانی که پس از تأسیس نظام سیاسی مشروطه توسط ، شریعت مداران مشروطه خواه پایه ریزی شد. این گفتمان دوم را با توجه به بانیان فکری آن و مؤلفه های درونی اش ، ما گفتمان مشروطه اسلامی می نامیم .

انچه ارائه شد ، سیر کوتاهی از زمینه های پیدایش و شکل گیری گفتمان مشروطه اسلامی بود . هدف ما بررسی بیشتر این زمینه ها و ارزیابی دقیق محتوای درونی گفتمان مشروطه اسلامی است . در نتیجه در طول پژوهش ضمن بررسی برخی از مهمترین رسائل و لوایح ، علمای مشروطه خواه ، تمایزات فی مابین گفتمان مشروطه اسلامی و گفتمان مشروعه خواهی از یک طرف و گفتمان مشروطه خواهی روشنفکران از سوی دیگر مورد ارزیابی قرار می گیرد. از آنجا که هدف از این پژوهش پرداختن به مباحث نظری است ، به تحولات عینی و تاریخی کمتر و صرفاً بر مبنای نیاز توجه شده است .

#### ۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام تحقیق :

از پیروزی جنبش مشروطیت ، در ایران و تأسیس نظام سیاسی مشروطه ، یکصد سال می گذرد . در طول این صد سال ، انبوهی از مکتوبات و مقالات متعددی پیرامون جنبش مشروطیت ایران به رشته تحریر درآمده است و ابعاد مختلف جنبش مشروطیت مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است . نگاهی به

این آثار نشان می دهد که جنبه های تاریخی ، سیاسی ، اقتصادی و جامعه شناختی این جنبش بیشتر از جنبه های دیگر و از جمله ، مباحث نظری و فکری مورد توجه بوده اند .

اینکه «بنیان های فکری جنبش مشروطیت از کجا سرچشمه می گرفت ؟ چه کسانی متولیان اصلی ، طرح و ترویج اندیشه مشروطیت در ایران بوده اند ؟! براساس چه مؤلفه هایی اندیشه مشروطیت تبدیل به یک گفتمان شد ؟! گفتمان مشروطیت چگونه و از سوی چه کسانی تفسیر می شد ؟! این گفتمان چگونه به گفتمان مسلط در فضای سیاسی ایران تبدیل شد ؟! پس از پیروزی جنبش مشروطه خواهی گفتمان مشروطیت در چه جهتی ادامه یافت و چه کسانی متولیان آن بودند ؟! و در نهایت گفتمان مشروطیت چگونه به تثبیت نظام سیاسی و تدوین نظام حقوقی آن منجر شد ؟!»، کمتر توجهات پژوهشگران و نویسندگان تاریخ مشروطیت ایران را به خود جلب کرده است . البته آثار ارزشمندی ، هم در همین راستا ، انتشار یافته است ، که قابل کتمان نیست . با این حال در اکثریت پژوهشهای این چینی دو ضعف عمده تحقیقاتی ، قابل مشاهده است .

مشکل اولی که در پژوهشها پیرامون مباحث نظری جنبش مشروطیت وجود دارد ، بررسی موضوع تحقیق بر مبنای یک چارچوب ایدئولوژیک است .

چارچوبی که عملاً نتیجه تحقیقات را قبل از آغاز پژوهش ، مشخص می کند .  
کار برمبنای یک چارچوب ایدئولوژیک ، آفتی است که عملاً یک تحقیق علمی را  
از سر مسیر اصلی خود ، یعنی دست یابی به یک نتیجه مشخص ، درست و  
دقیق از موضوع مورد پژوهش دور می کند .

مشکل عمده دیگری که این آثار از آن رنج می برند ، تقلیل مباحث فکری  
جنبش مشروطیت ایران ، به تاریخ روشنفکری است . اگرچه بانیان فکری  
گفتمان مشروطه خواهی ، حقیقتاً روشنفکران و نوگرایان نیم سده عصر  
ناصری می باشند ، ولی مسئله این است که نظریه پردازی پیرامون گفتمان  
مشروطه خواهی (فا) صرفاً محدود به سالهای پیش از پیروزی جنبش  
مشروطیت نیست .

به عبارت دیگر گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان صرفاً حاصل آثار ، مکتوبات  
و نظریه پردازی های روشنفکران ذکر شده نیست . بخش دیگری از این  
گفتمان که متوجه تثبیت نظام سیاسی مشروطه و تدوین نظام حقوقی آن  
می باشد ، در سالهای پس از پیروزی جنبش است که تکوین می یابد و آن هم  
نه بوسیله روشنفکران ، بلکه از طریق رسائل و لوایحی که بوسیله بخشی از  
جریان روحانیت با عنوان شریعت مداران مشروطه خواه ، انتشار یافت . و این  
در حالی است که بخش مهم از جریان گفتمان مشروطه خواهی ایرانیان ، با بی